

بررسی جبران خسارت بزه‌دیدگان جرایم تروریستی

مصطفی ماهیان بادی^۱ و کریم صالحی^{۲*}

۱ گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، نراق، ایران

۲ گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، نراق، ایران

*نویسنده مسئول: کریم صالحی

چکیده

اصل اولیه در جبران خسارت های ناشی از جرم این است که؛ بزهکار به عنوان عامل ورود زیان مسئول جبران خسارت های وارده است، اما در برخی از جرایم از جمله جنایات تروریستی، به دلایلی نظیر عدم شناسایی گروهک های تروریستی، عدم کفایت دلایل در انتصاب جرم و دلایل بسیار دیگر امکانپذیر نیست، به همین جهت برای حمایت از اینگونه بزه‌دیدگان، اندیشه ی جبران خسارت توسط دولت مطرح گردید. از آنجایی که دولت متعهد به ایجاد نظم و حفظ حقوق افراد جامعه است و از طرفی وقوع جنایات تروریستی، نشانه ای از عدم کارایی ابزارهای امنیتی جامعه است، در نتیجه تخصیص بودجه ای جهت تأمین خسارت این بزه‌دیدگان توسط دولت اقدامی در جهت احیای حقوق از دست رفته ی آنان است.

واژه‌های کلیدی: خسارت، جبران خسارت، بزه‌دیده، تروریسم

مقدمه :

در زندگی اجتماعی وجود قانون و نظام قضایی که بر مبنای آن به حل و فصل دعاوی و احقاق حق و اجرای عدالت پرداخته شود امری ضروری است. از گذشته، جبران خسارت هایی که در نتیجه ی جرم بر بزه‌دیدگان وارد میشده همواره مورد توجه قرار داشته است و بر این مبنای جبران خسارت‌های مادی به طور صریح در قوانین کشورها پذیرفته شده، اما در جبران خسارت‌های معنوی که بر روح و روان و احساسات شخص وارد می‌شود به دلیل ماهیت غیرمادی آن و دشواری سنجش و تقویم آن با معیارهای مالی، اختلاف نظر وجود دارد، در حالیکه عدالت و لزوم احقاق کلیه حقوق از دست رفته بزه‌دیدگان و همچنین لازمه داشتن یک سیاست جنایی کارآمد در نظام حقوقی، اقتضا می‌کند که تحولی اساسی در این زمینه ایجاد گردد. هر جرم خسارت‌های مادی، جسمی و عاطفی فراوانی بر بزه‌دیدگان خود وارد می‌آورد و در این میان جرایم تروریستی با موج شدیدی از رعب و هراس خسارت‌های جسمی و روانی و عاطفی فراوانی بر بزه‌دیدگان خود وارد می‌آورند. مفهوم تروریسم یک مفهوم جدید است که جزء مهمی از آن عبارت است از قصد ایجاد رعب و هراس برای رسیدن به مقاصد خاص. بنابراین یکی از مسائل مهم و حساس در نظام کیفری، حمایت و تضمین حقوق بزه‌دیدگان تروریسم در قوانین داخلی است و آن عبارت است از پیش بینی سیاست جنایی، تقنینی جهت کمک و مساعدت به بزه‌دیدگان بالقوه و سیاست حمایتی، ترمیمی نسبت به بزه‌دیدگان بالفعل

الف- بررسی ابعاد بزه‌دیدگی ناشی از جرایم تروریستی :

جرایم تروریستی یکی از مهم ترین جرایمی است که امروزه جامعه بشری را به خود مشغول کرده است و از سیاهترین نمونه ی جنایات در طول تاریخ بشر به شمار می‌روند، چراکه در دید کلی، درست است که این جنایات با اهداف خاصی نظیر مبارزه با دولت‌ها، انگیزه های نژادپرستانه، سیاسی یا حتی مذهبی انجام می‌گیرند اما همراه با آن، هزاران قربانی بیگناه رادر کام خود می‌گیرند.

۱- تعریف تروریسم :

واژه ترور که از زبان فرانسوی به زبان فارسی راه یافته، از ریشه لاتین **terror** به معنی احساس ترس است. در فرهنگ آکسفورد از دو واژه ترور و تروریسم تعاریف زیر دیده میشود: «وحشت فزاینده؛ شخص یا چیزی که وحشت فزاینده تولید کند.» و در تعریف تروریسم آمده است که «تروریسم؛ توسل به خشونت برای اهداف سیاسی یا اجبار حکومت به انجام فعل یا ترک فعل، از طریق تولید وحشت بین مردم.» در ارتباط با تروریسم تاکنون تعاریف گسترده و بی شماری ارائه گردیده است، اما این تعاریف با همه گستردگی شان نوعی ابهام و پیچیدگی با خود به همراه دارند، زیرا در تعریف تروریسم معمولاً جهت گیری های سیاسی و اعتقادی نهفته است. شاید بتوان در یک نگاه کلی تروریسم را چنین تعریف کرد که: به مجموعه اعمالی گفته میشود که با قصد ایجاد رعب و هراس برای رسیدن به اهداف خاص موج عظیمی از بزه‌دیدگان را دربر میگیرد، در حقیقت تروریسم یک شیوه مبارزه است که فردیت قربانیان در آن مطرح نیست. یا مجموعه اقداماتی است که به انگیزه ها و اهداف مختلف، جان و مال و امنیت شهروندان را هدف قرار میدهد.

۲- بزه‌دیدگان جرایم تروریستی :

به طور کلی، از نگاه قانون، تروریسم رفتاری است که در بردارنده خشونت یا تهدید به آن است و چنین رفتاری سزاوار نکوهش بوده و برای جلوگیری از آن باید کیفی‌هایی پیش بینی گردد. در جهان کنونی ما با انواع مختلفی از جنایات تروریستی مواجهیم که هر دسته از این جنایات بزه‌دیدگان خاص خود را در بر میگیرند. اما نکته مهم اینجاست که با همه گستردگی و پیچیدگی انواع تروریسم، و انگیزه های مختلف انجام رفتارهای تروریستی؛ بزه‌دیدگان این جرم دارای پیچیدگی نیستند، بزه‌دیدگان جرایم تروریستی صرفاً افراد بیگانه‌ای هستند که جان و مال و جسم شان قربانی جنایاتی میشود که کوچکترین دخالتی در پیدایش زمینه های وقوع آن ندارند. عمده رفتارهای تروریستی با توجه به خساراتی که از آنها بر جسم و جان بزه‌دیدگان وارد میشود به صورت:

الف- ربودن یا توقیف غیرقانونی و گروگان گیری و تهدید قربانیان به قتل یا صدمه؛ که میتواند صدمات جسمی و روحی و روانی زیادی بر بزه‌دیدگان وارد سازد.

ب- هرگونه مذبذب گذاری تروریستی در اماکن عمومی، وسائل حمل و نقل عمومی، تاسیسات دولتی یا زیر ساختی.
ج- نشر مواد شیمیایی، میکروبی و بیولوژیک که موجب بیماری های مهلک پوستی، تنفسی و اختلال در سیستم دفاعی بدن شده و فرد را در اندک زمان کوتاهی از پای در می آورد استفاده از موادهسته ای یا سلاح های کشتار جمعی به منظور کشتن یا وارد کردن جراحات شدید به اشخاص.
موارد فوق تنها گوشه ای از رفتارهای تروریستی است که موج عظیمی از بزه دیدگان را در بر میگیرد و موجب قتل و کشته شدن یا بروز خسارات شدید جسمی و نقص یا قطع عضو میشوند.

۳- موضوع اقدامات تروریستی :

موضوع یا هدف بزه، همان چیزی است که رفتار بزهکارانه بر آن رخ میدهد. موضوع اصلی جنایات تروریستی در نگاه نخست، جان و مال بزه دیدگان است. در خشونت ورزی تروریست هاین دوه به طور مستقیم و در تهدید به خشونت به طور غیرمستقیم موضوع واقعی تروریسم قرار میگیرند. موضوع در بزه تروریستی، با گرایش های حقوق بشری و بویژه با پیش کشیدن حق حیات و حق امنیت، برجسته شده است. تروریست ها به طور آشکار حق زندگی را با کشتن، حق امنیت فردی را با تهدید و هراساندن، حق رفت و آمد را با گروگان گیری، حق مالکیت داشتن را با از میان بردن و دیگر حقوق انسانی را به شیوه های جداگانه نابود میکنند، در حالی که نود درصد قربانیان اقدامات تروریستی را شهروندان بیگناه تشکیل میدهند. تروریسم در دورنمای خود، امنیت و آسایش عمومی را هدف قرار میدهد و از این رو میتوان گفت جنایات تروریستی هم در زمره جرایم علیه اشخاص و اموال هستند و هم علیه امنیت .

ب- بررسی جبران خسارت های بزه دیدگان جنایات تروریستی :

همان طور که در بخش فوق اشاره شد؛ جنایات تروریستی به دلیل مفهوم خاص نهفته در آنها که عبارت است از قصداً ایجاد رعب و هراس برای رسیدن به مقاصد خاص تفاوت های عمده ای با سایر جرایم دارند، در نتیجه بزه دیدگان این جنایات نیز با بزه دیدگان سایر جرایم تفاوت دارند. آنچه را که ما در پی یافتن آن هستیم بررسی چگونگی جبران خسارت های حاصل از جنایات تروریستی بر بزه دیدگان است، مقوله ای که تاکنون در حقوق داخلی به آن پرداخته نشده و در نظام حقوقی ایران با ابهام های اساسی روبروست. این امر هم شمار عظیم بزه دیدگان این جرایم را با سردرگمی مواجه ساخته و هم مسئولین امر قضا را با چندگانگی و ابهام مواجه ساخته است. پاسخ گویی به سوالاتی نظیر اینکه : آیا خسارت های حاصل از جنایات تروریستی تروریستی به طور مطلق قابل جبران است و اینکه آیا نظام حقوقی و بویژه کیفری ایران بسترها و ظرفیت های لازم را جهت جبران خسارت های ناشی از جنایات تروریستی دارد یا خیر، حقیقتاً بدون پاسخ مانده اند.

این در حالی است که همانطور که در طرح توجیهی پیش نویس مبارزه با تروریسم آمده است: «جمهوری اسلامی ایران، کشوری است که بویژه در دو دهه اخیر آسیب های فراوانی از پدیده تروریسم دیده است و به طور مستمر مورد حملات وحشیانه گروه های تروریستی قرار گرفته و صدمات شدید جانی و اقتصادی فراوانی را تحمل کرده است که لطمات ناشی از آن بر همگان آشکار است. در نتیجه ضرورت تدارک وسایل لازم حقوقی برای مبارزه با این پدیده و احیای حقوق قربانیان آن بر همگان مبرهن است. هر چند عناوین مجرمانه تشکیل دهنده تروریسم در قوانین کیفری پیش بینی شده اند ، اما مفهوم تروریسم یک مفهوم جدید است و میبایست همگام و همراه با کنوانسیون های بین المللی ؛ قوانین داخلی این مفهوم جدید را در نظر بگیرند و جرم انگار نمایند. به عبارت دیگر سیاست جنایی تقنینی در قبال تروریسم، باید یک سیاست خاص و ویژه باشد که باید به طور جداگانه و صرف نظر از عناوین مجرمانه دیگر در نظر گرفته شود و این همان چیزی است که نظام حقوقی ایران فاقد آن است.

۱- شرایط تحقق مسئولیت جبران خسارت ناشی از جرایم تروریستی :

برای تحقق مسئولیت ناشی از ارتکاب جرم، شرایطی وجود دارد که عبارتند از : وقوع فعل زیانبار، وجود خسارت و رابطه سببیت.

وقوع فعل زیانبار که اولین عنصر اساسی در ایجاد مسئولیت برای مجرم میباشد، در حقیقت همان اعمال مادی تشکیل دهنده جنایات تروریستی است که چهار ضابطه کلی برای آن درپیش نویس قانون مبارزه با تروریسم بیان گردیده است، که عبارتند از **برهم زدن نظم و امنیت عمومی** :

این ضابطه صراحتاً در مجموعه قوانین جزای فرانسه تعریف شده «هنگامی که فرد یا گروهی به طور عمدی و با هدف برهم زدن جدی قانون و نظم عمومی، اقدام به ترور یا تهدید کند، عمل تروریستی تحقق یافته است.»
به خطر انداختن جان و سلامتی شهروندان :

در ماده ۲۰ مجموعه قوانین جزایی کشور پرو جنایات مشدده تروریسم اینگونه تعریف شده است: «هر کسی که عضو یا همکار گروه، یا انجمن جنایتکار بوده و از تسلیحات نظامی، نارنجک و دیگر مواد منفجره جهت ارتکاب سرقت، آدم ربایی، قتل یا دیگر جرایم علیه حیات، تمامیت جسمانی، سلامتی، آزادی فردی یا امنیت عمومی استفاده کند؛ مرتکب جرم تروریسم مشدده گردیده است.»

اجبار دولت ها و سازمان های بین المللی به ارتکاب فعل یا ترک فعل خاص :

هدف اصلی تروریست ها از ارتکاب اعمال تروریستی، تامین خواسته هایی است که معمولاً از طریق عادی تامین نمی شود، لذا با اتخاذ روش های خاص و وحشت زا دولت یا حسب مورد سازمان های بین المللی را با انجام اعمال خود، تحت تاثیر قرار می دهند.

وحشت پراکنی بین مردم :

نتیجه غایی تمام فعالیت های تروریستی صرف نظر از نتیجه حاصل از آن و انگیزه یا اهداف انجام آن، عمل یا تهدید خشونت آمیزی است که برای پیشبرد برنامه های کیفری فردی یا جمعی ارتکاب یافته و ایجاد رعب و هراس میان مردم نماید، با صدمه به حیات، آزادی یا امنیت آنها یا قصد وارد ساختن خسارت به محیط زیست یا تاسیسات عمومی یا خصوصی یا اشغال آنها به قصد تخریب منابع ملی.

دومین شرط برای تحقق مسئولیت جبران خسارت ورود خسارت است. از رهگذر جنایات تروریستی آسیب ها و خسارت های بی شماری بر بزه‌دیدگان وارد میشود. بیشترین تاثیرات بزه‌دیدگی حاصل از جنایات تروریستی عبارتند از:

آسیب های جسمی و مالی :

آسیب های بدنی حاصل از جنایات تروریستی از مرگ و کشتارهای فجیع آغاز گردیده و قطع یا نقص اعضای بدن، از کار افتادگی حواس یا دیگر منافع بدن را نیز دربرمی گیرد، و آسیب های مالی نیز شامل کلیه خساراتی است که بر شخص، اعضای خانواده و اموال او وارد میشود.

آسیب های روانی و عاطفی :

تجربه های جرم معمولاً تاثیرات روانی شدیدی بر بزه‌دیدگان وارد می آورد. آسیب های روانی ناشی از جنایات تروریستی، بسیار گسترده میتوانند باشند، چراکه این جرایم باموجی از رعب و هراس همراهند. و مواردی نظیر اختلالات روانی شدید، افسردگی، بی خوابی و نمونه های فراوان دیگر که ناشی از به خاطر آوردن صحنه های مرگبار این جنایات، یا از دست دادن اعضای خانواده **اندر** شامل می شود.

بزه‌دیدگی دومین ناشی از نظام عدالت کیفری :

این نوع از آسیب از رهگذر واکنش اجتماع و نهادهای مرتبط با فرد بزه‌دیده روی میدهد. زمانی که بزه‌دیدگان یک جرم خاص یا بزه‌دیدگانی که از طبقه ضعیف اجتماع هستند مورد حمایت های قانونی عادلانه قرار نمیگیرند، این امر منجر به انکار کامل حقوق انسانی این بزه‌دیدگان می گردد که در مورد جنایات تروریستی، با توجه به خلاء های قانونی موجود در این زمینه، در نظام حقوقی ایران این امر قابل توجه است.

ج - جبران خسارت بزه‌دیدگان جرایم تروریستی بر اساس مواد قانونی :

باتوجه به همهٔ خلاءها و ابهام‌هایی که از جهت حقوقی و قانونی در خصوص چگونگی و نحوهٔ جبران خسارتهای حاصل از جرایم تروریستی در کشور وجود دارد، جبران این خسارت بزه‌دیدگان این جنایات، همانند بزه‌دیدگان سایر جرایم و باتوسل به اصول عام و کلی مسئولیت و مجموعهٔ قوانین موجود انجام میگیرد.

از مجموع قوانینی که در آنها به اصل جبران خسارت بزه‌دیده اشاره شده است، میتوان به مواد قانونی زیر اشاره کرد:

۱- قانون مسئولیت مدنی :

یکی از مهم‌ترین منابع قانونی که در مواد مختلف به طور صریح از خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از ارتکاب جرم نام برده و جبران آنها را پذیرفته است قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ می‌باشد. به موجب مواد ۱ و ۲ و ۵ این قانون هرگونه اقدام بدون مجوز قانونی که از روی عمد باشد و موجب خسارت مادی یا معنوی بر افراد گردد، مسئولیت بزه‌کار را در پی دارد.

۲- **قانون مجازات اسلامی :** از مجموع موادی که در قانون مجازات اسلامی به جبران خسارت ناشی از جرم اشاره دارند آنچه که بیشتر با جبران خسارت جرایم تروریستی، مرتبط است میتوان مواد مربوط به بخش محاربه و همچنین مواد در ارتباط با قصاص و دیات و مادهٔ ۵۱۱ این قانون را اشاره کرد. نکتهٔ مهم این است که قانونگذار به جای توجه خاص به جرم تروریسم و جرم انگاری آن به طور ویژه در بین قوانین کیفری، در لایحهٔ جدید قانون مجازات اسلامی، صرفاً مصادیق آنرا در بخش محاربه بیان کرده است. در مادهٔ ۱۰-۲۲۸ مواد این لایحه در بخش محاربه و افساد فی الارض آمده است :

هرکس به طور گسترده مرتکب جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی، اختلال در نظام اقتصادی کشور، آتش سوزی، تخریب و ترور، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک، دایر کردن مراکز فساد و فحشا گردد، به گونه‌ای که سبب اختلال شدید در نظم عمومی کشور یا موجب ناامنی و ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی شود، یا سبب اشاعهٔ فحشا در حد وسیعی گردد مفسد فی الارض محسوب و به مجازات محارب محکوم می‌گردد.

د- جبران خسارت از طریق وزارت کشور:

وزارت کشور در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۲۶ بخشنامه‌ای با عنوان "نحوهٔ تشخیص و تخصیص اعتبار ردیف ۱۰۵۰۲۲" تصویب کرد که مطابق مادهٔ ۲ این بخشنامه به پرداخت خسارت‌های وارده به کلیهٔ اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان جنایات تروریستی متحمل آسیب و زیان میگردند اشاره شده است. اما متأسفانه مطابق استعلام صورت گرفته این بخشنامه در حال حاضر اجرا نمیگردد.

نتیجه‌گیری :

در پایان وبه عنوان نتیجه‌گیری باید عنوان کرد که همانطور که در طرح توجیهی لایحهٔ مبارزه با تروریسم آمده است: «جمهوری اسلامی ایران، از جمله کشورهایی است که در طی چند دههٔ گذشته از اصلی‌ترین قربانیان تروریسم محسوب شده و فراهم کردن ابزارهای قانونی لازم جهت مبارزه با این پدیده، شناسایی و مجازات عاملین آن و تدابیر مناسب جهت احقاق حقوق بزه‌دیدگان آن امری ضروری و انکارناپذیر است.» هرچند که اعمال مادی تشکیل دهندهٔ جنایات تروریستی تحت عنوان عناوین مجرمانهٔ عام در قانون کیفری پیش بینی شده اند اما، مفهوم تروریسم یک مفهوم جدید است و سیاست جنایی تقنینی در قبال آن باید یک سیاست خاص و ویژه، صرف نظر از سایر عناوین باشد.

منابع :

- ۱) حاجی ده‌آبادی، احمد، **جبران خسارت بزه‌دیده به هزینهٔ دولت و نهادهای عمومی**، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۸.
- ۲) رایجیان اصل، مهرداد، **بزه‌دیده‌شناسی حمایتی**، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول ۱۳۸۴.
- ۳) توجیهی، عبدالعلی، **جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران**، پایان‌نامهٔ دکتری، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.
- ۴) ژوردن، پاتریس، **اصول مسئولیت مدنی**، ترجمهٔ مجید ادیبی، تهران، نشر میزان، چاپ اول ۱۳۸۲.

- (۵) عالیپور، حسن، توازن میان امنیت و آزادی های فردی در مقابله با جرایم تروریستی، پایان نامه دکتری، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
- (۶) عبداللہی، محسن، کیهانلو، فاطمه، سرکوب تروریسم در حقوق بین الملل معاصر، معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- (۷) قاسم زاده، مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول ۱۳۷۸
- (۸) ۱-۸، جعفر، حقوق قربانیان تروریسم، مجموعه مقالات تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام، انتشارات مرکز مطالعات توسعه قضایی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- (۹) ۹- جویباری، رجب، جرایم علیه امنیت، بررسی فقهی محاربه و جرایم مشابه، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم ۱۳۸۸.
- (۱۰) ام، کاترین، تاملی بر بزهدیدگی وانواع آن، ترجمه علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۸، ۱۳۸۲.